

بررسی اثر آموزش عالی بر توانمندی دانش‌آموختگان بخش کشاورزی  
(مطالعه موردی اعضای سازمان نظام مهندسی کشاورزی استان اصفهان)  
**The effect of higher education on the ability of  
agricultural graduates**  
(Case Study: memberships of Agriculture and Natural Resource Organization of  
Isfahan province)

بهمن بهرامی<sup>۱\*</sup>، امیر مظفر امینی<sup>۲</sup> و محمد صادق ابراهیمی<sup>۳</sup>  
۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان،  
۲ استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان  
۳ استادیار گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

E-mail: bahramibahman@ymail.com

\* نویسنده مسئول

## چکیده

مؤسسات آموزش کشاورزی باید توانمندی دانش آموختگان را بالا ببرند تا آنان قادر باشند با عدم قطعیت، موقعیت‌های پیچیده و نامعین و هنجارها، ارزش‌ها و علایق متضاد یا حداقل متنوع و گوناگون برخورد مناسب نمایند. هدف این تحقیق بررسی اثر آموزش عالی بر توانمندی دانش آموختگان بخش کشاورزی است که به صورت مطالعه موردی از اعضای سازمان نظام مهندسی کشاورزی استان اصفهان مورد بررسی قرار گرفت. تعداد نمونه گیری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۹۰ نفر تعیین شد که این تعداد نمونه‌ها از سه رشته زراعت و باغبانی و علوم دامی انتخاب گردیدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که روایی آن با استفاده از نظرات اساتید متخصص و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ (۰/۹۸) مشخص شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توانمندی‌های دانش آموختگان هر سه گروه در بعد تخصصی در سطح زیاد ارزیابی شد. همچنین میزان توانمندی دانش آموختگان در بعد عمومی و سازمانی در حد کم مشخص گردید. این نتایج نشان دهنده این است که آموزش عالی در ایجاد بعد عمومی و سازمانی کارایی لازم را نداشته است.

**کلید واژه** - توانمندی، دانش آموختگان، آموزش عالی، بخش کشاورزی.

## Abstract:

Agricultural education institutions should enhance the capabilities of graduates that they could be able to confront with uncertainty, complex and uncertain situations and caused to enhance their norms, values and interests. This study investigates the effect of higher education on the ability of agricultural graduates (Case Study: memberships of Agriculture and Natural Resource Organization of Isfahan province). Number of samples using Cochran's formula was 90 people who were chosen from the three fields of agriculture and horticulture and animal science fields. Face validity of the questionnaire is obtained using the supervisor professors' opinions. The reliability of the questionnaire is calculated using Cronbach alpha coefficient whose amount is 0.98. The results show that knowledge capabilities of graduates in three groups, in specialized dimension were assessed in high level. The ability of graduates in three groups in organization and general dimension were assessed in low level. These results indicate that the higher education in general and organizational dimension doesn't have useful efficiency.

**Key words:** empowerment, students, tertiary education, agricultural sector

### مقدمه:

دستیابی به توسعه، مستلزم وجود عوامل مختلفی است که نیروی انسانی از مهم ترین آنان به شمار می‌رود. به عقیده‌ی هاریسون، منابع انسانی پایه‌ی اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع عوامل تبعی تولیدند. در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه‌ی ملی را به پیش می‌برند. بدیهی است کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردم خود را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز را توسعه بخشد [۶]. آموزش توانمندسازی شغلی موجب سازگاری فرد در محیط، افزایش توانایی کارکردن با دیگران، یافتن شغل مناسب، باقی ماندن در کار و داشتن زندگی مستقل در دانش‌آموختگان می‌شود. توانمندی ترکیبی از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مورد نیاز برای انجام یک نقش به گونه‌ای اثربخش است. پس باید دید که دانش‌آموختگان در هر حیطه (نگرش، دانش و مهارت) چه وضعیتی دارند و کدام حیطه احتیاج به تقویت و سرمایه‌گذاری بیشتر دارد [۱۲]. فیوضات (۱۳۸۲) در تشریح اثرات تحصیلات عالی در نوسازی جامعه می‌نویسد: "رسالت دانشگاه به عنوان یک جامعه علمی این است که به فراهم ساختن و سازمان‌دادن به یک سنت علمی پردازد. چون سنت علمی پیرامون مرکزی از خلاقیت شکل می‌گیرد، برای ایجاد هسته اصلی این سنت به شخصیت روشنفکرانه خلاق نیاز دارد تا به نوبه خویش به شکفتن استعدادهای خلاق دیگر کمک کند" [۱۰].

میرکمالی (۱۳۷۲) طی تحقیق خود نتیجه‌گیری کرد که بین میزان موفقیت شغلی دانش‌آموختگان و سطح و کیفیت آموزش‌های ارائه شده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در این مطالعه سطح و کیفیت آموزش عامل مؤثری در موفقیت شغلی بوده است. همچنین دریافتند که توانمندی شغلی با عواملی چون تناسب شغل با رشته، درک عمومی از حرفه،

میزان مهارت های عملی، میزان دانش و آگاهی، تجربه قبلی، تجربه کاری، احساس رضایت از شغل و میزان دستیابی به اهداف شغلی سنجیده می شود [۱۲].

بینقی و سعیدی رضوانی (۱۳۸۲) معتقدند که توانمندی ها و مهارت های نیروی کار هر مؤسسه، فاکتور اصلی و برای تعیین میزان موفقیت فعالیت های اقتصادی آن مؤسسه و اعمال شیوه های عملکرد در سطح بالا است. این توانمندی ها وابسته است به دانش، نگرش و مهارت افراد و روشی که توانایی های خود را به کار می گیرند. آنان توانمندی شغلی را ترکیب هم افزایندگی کیفیت ها و صلاحیت های فردی، مهارت های فنی و فرایندی و مهارت ها و شایستگی های کلیدی می دانند. اینان مهمترین دلیل عدم موفقیت دانش آموختگان در تصدی شغل مناسب را عدم صلاحیت و تخصص دانش آموختگان می داند [۵].

تحقیق حجازی (۱۳۷۷) نشان داد که وضعیت دانش آموختگان رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران از لحاظ مهارت های مورد نیاز بازار کار از نظر کارفرمایان در وضعیت مطلوب قرار دارد [۷]. شریعت زاده (۱۳۸۰) در پژوهش خود نتیجه می گیرد که ۷۷ درصد دانش آموختگان آموزش میانگینه کشاورزی (هنرستان و مراکز آموزش کشاورزی) میزان کارایی دروس عملی دوره را در افزایش مهارت های عملی مورد نیاز بازار کار در سطح "زیاد و خیلی زیاد" ذکر کرده اند [۸].

به عقیده بلفیلد<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۹) "آموزش عالی تنها یک سرمایه گذاری در منابع انسانی نیست بلکه آموزش عالی این امکان را به افراد می دهد تا مهارت هایی را کسب کنند که رفتار، عقاید و نقش آنان را در جامعه شکل دهد". بنابراین نظام آموزشی باید آموزش های لازم را مبتنی بر نیازهای واقعی در واحدهای تولیدی خدماتی به نحوی برنامه ریزی و اجرا نماید که ارتباط تنگاتنگ میان دانش تئوری و سطح تکنولوژی موجود در کشور به خوبی برقرار گردد [۱۴].

<sup>2</sup> - Blefield

کوری<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳) نتیجه گیری می کنند که ۱۶ مهارت یا ویژگی با عنوان مهارت های قابل انتقال از دانشگاه به محیط کار و زندگی وجود دارد که از نظر اغلب دانش آموختگان وجود آنان بسیار مهم تر از دانش نظری تخصصی است. مهم ترین این ویژگی ها یا مهارت ها عبارت بودند از توانایی برقراری ارتباط، از عهده وظایف مختلف برآمدن، مدیریت زمان، توانایی برنامه ریزی، انجام کار تیمی و مهارت در کاربرد فن آوری های اطلاعاتی [۱۵]. دلانی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان پیشنهاداتی برای افزایش تأثیر آموزش عالی بر زندگی دانش آموختگان دریافت که بیشتر دانش آموختگان عقیده دارند آموزش عالی نقش زیادی در توانایی آنان در انجام کار گروهی، کسب دانش و مهارت های جدید و استفاده از فن آوری های جدید داشته است. آنان دریافتند حدود ۴۰ درصد دانش آموختگان، تجارب آموزشی دوران تحصیل را تا حد زیادی برای انجام مشاغل بعدی مورد توجه قرار داده اند. در مقابل کمتر از ۲۰ درصد آنان به نقش دانشکده در آماده سازی آنان جهت ایجاد روابط با دیگران، زندگی خانوادگی و مشارکت های اجتماعی و شهروندی اشاره نموده اند. نتایج این تحقیقات نشان می دهد بین میزان رضایت دانش آموختگان از امکانات و تسهیلات و کسب توانایی های بیشتر رابطه وجود دارد [۱۶].

پاتل<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۱) نیز معتقدند که هدف آموزش، باید شکوفا کردن استعدادها، تولید قابلیت ها و شایستگی ها و نه تعریف آینده برای دانشجویان باشد. دانش آموختگان کشاورزی نه تنها باید واجد مهارت های فنی و تخصصی باشند بلکه باید دارای مهارت های تسهیل گری فرآیندهای توسعه، شامل تبحر در مدیریت پروژه، ارتباطات و مذاکره باشند. شایستگی ها و کیفیت های ایده آل دانش آموختگان امروزی کشاورزی عبارتند از: ظرفیت تلفیق رشته ها و مهارت ها (مهارت های سخت افزاری و نرم افزاری)، تفکر انتقادی و خلاق، مسئولیت رشد

<sup>3</sup> - curry

<sup>4</sup> - Delaney

<sup>5</sup> - Patel

شخصی و توسعه حرفه‌ای، توانایی تسهیل یادگیری در گروه‌ها و اجتماع‌ها، داشتن ظرفیت‌های مدیریتی ضروری و مهارت‌های ارتباطات [۱۹].

نتایج حاصل از تحقیقات ایرانی<sup>۶</sup> و چرلر<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) نشان داد که محتوای آموزشی در سطح بینشی نسبت به سایر عوامل نقش بیشتری در توانمندی شغلی دانش‌آموختگان دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هرچه محتوای آموزشی در سطح دانشی از نظر انتقال اطلاعات، دانش‌ها، اصول و نظریه‌ها غنی‌تر و در سطح بینشی از نظر القای بینش خاص یا ایجاد باور حرفه‌ای و کاری تقویت شود، توانمندی شغلی افراد افزایش می‌یابد. در این تحقیق اکثر پاسخگویان در پاسخ به رضایت مندی شغلی و تجارب آموزشی بیان کردند که گذراندن دوره‌های آموزشی در زمینه ارتباطات کشاورزی، آنان را برای حرفه‌اشان آماده کرده است [۱۷].

لینچ<sup>۸</sup> (۲۰۰۰) در توضیح و تفسیر توانمندی شغلی، افرادی را به لحاظ شغلی توانمند می‌داند که از توانایی‌ها و مهارت‌های فنی و فرایندی برخوردار باشند، از دانش نظری و تخصصی خود در محیط واقعی کار استفاده کنند، از مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی برخوردار باشند. ترکیبی از ویژگی‌های شناختی و غیرشناختی را دارا باشند. وی توانمندی شغلی را ترکیب کیفیت‌ها و صلاحیت‌های فردی، مهارت‌های فنی و فرایندی و مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی می‌داند. وی ابعاد توانمندی شغلی را در شش بعد عمده تقسیم می‌کند که عبارتند از: ۱- بعد عمومی، ۲- بعد شناختی، ۳- بعد شخصیتی، ۴- بعد اجتماعی - ارتباطی، ۵- بعد اجتماعی - هنجاری، ۶- بعد استراتژیک. [۱۸].

جعفرزاده (۱۳۸۴) بیان می‌دارد که یکی از کارکردهای اصلی آموزش در سطوح مختلف بویژه آموزش عالی تربیت افراد خلاق و کارآفرین می‌باشد توانمندی‌های عملی افراد برای ایجاد تحول در بخش‌های اقتصادی کشور نشان دهنده این واقعیت ناخوشایند می‌باشد که آموزش عالی در رسیدن به این مهم از کارایی چندانی برخوردار نبوده است. واقعیت امر این

6 - Irani  
7 - Scherler  
8 - Lynch

است که افراد آموزش دیده در نظام آموزش عالی کشور در زمینه‌های مختلف، فاقد قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی لازم هستند [۶].

بازرگان (۲۰۰۰) معتقد است که در اثر عدم تطابق آموزش دانش‌آموختگان با نیازهای جامعه، دانش‌آموختگان به عنوان محصول نظام آموزش عالی، فاقد توانمندی‌های لازم بوده و به جای ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی و مشارکت در توسعه ملی، خود به دنبال استخدام (مخصوصاً در بخش دولتی) می‌باشند [۳].

یافته‌های پژوهش بیابانگردی و همکاران (۱۳۸۴) بیانگر آن بود که میزان شناخت دانشگاه از نیازهای حرفه‌ای دانش‌آموختگان و جامعه، ناقص و محدود است و اهداف تربیتی دانشجویان پاسخگوی نیازهای حرفه‌ای نبوده و با نیازهای جامعه متناسب و هماهنگ نمی‌باشد [۴].

ضرورت توسعه کشاورزی ایجاب می‌کند که با کسب دانش، بهبود و تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های منابع انسانی، توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین کرد. برای این منظور این مطالعه جهت بررسی آثار آموزش‌های عالی کشاورزی بر توانمندی دانش‌آموختگان انجام خواهد شد. براین اساس، هدف این پژوهش، بررسی اثر آموزش عالی بر توانمندی دانش‌آموختگان بخش کشاورزی عضو سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان است. دستیابی به این هدف، مستلزم حصول به هدف‌های اختصاصی زیر است:

- ارزیابی اثر آموزش‌های عالی بر توانمندی دانش‌آموختگان در "بعد تخصصی"
- ارزیابی اثر آموزش‌های عالی بر ایجاد "بعد عمومی" توانمندی دانش‌آموختگان کشاورزی
- ارزیابی اثر آموزش‌های عالی بر ایجاد "بعد سازمانی-مدیریتی" توانمندی دانش‌آموختگان کشاورزی

لذا هدف تحقیق حاضر بررسی این اهداف در جامعه و نمونه آماری مور و نظر می‌باشد.

### مواد و روشها:

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش، پیمایشی انجام

گرفت. متغییر وابسته در این تحقیق توانمندی دانش‌آموختگان کشاورزی عضو سازمان نظام مهندسی اصفهان است. متغییر مستقل نیز عبارتند از: تمامی اثرات آموزش عالی کشاورزی. جامعه آماری در این مطالعه دانش‌آموختگان عضو نظام مهندسی کشاورزی استان اصفهان در سه رشته زراعت، باغبانی و علوم دامی بودند که تعداد جامعه ۳۰۰۰ نفر از طریق سازمان نظام مهندسی کشاورزی اصفهان اخذ شد که تعداد نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران با  $d=0/1$  تعداد ۹۳ نفر برآورد گردید و در نهایت ۹۰ پرسشنامه جمع و تحلیل شد. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه ای مشتمل بر سه بخش توانمندی تخصصی، عمومی و سازمانی مورد نیاز دانش‌آموختگان کشاورزی، بود که توسط محققان طراحی و تدوین شد. روایی آن بر اساس نظر جمعی از اساتید و صاحب نظران مربوطه تأیید گردید و پایایی آن نیز با استفاده ضریب آلفای کرونباخ بدست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس مورد استفاده در پژوهش برابر با ۰/۹۸ به دست آمد که نشانگر پایایی قابل قبول متغیرهای پرسشنامه بود و بدین سان، محتوای پرسشنامه، مورد تأیید و در اختیار پاسخگویان قرارداد ه شد و با کاربرد نرم افزارهای Excel و SPSS پردازش و تحلیل گردیده است.

#### یافته‌ها:

جدول یک مربوط به وضعیت توصیفی نمونه‌های آماری است که به طور کلی وضعیت نمونه‌ها را در دانش‌آموختگان گروه‌های مختلف نشان می‌دهد. در هر سه گروه دانش‌آموختگان زراعت، باغبانی و علوم دامی، میانگین سن بین ۳۴ تا ۳۶ سال است و نیز تعداد مردان بیشتر از زنان می‌باشد. تعداد افراد بیکار قبلاً شاغل در هر سه گروه دانش‌آموختگان کمترین تعداد و در دانش‌آموختگان گروه زراعت تعداد شاغلین در دو بخش دولتی و خصوصی برابر است ولی در دو گروه باغبانی و علوم دامی شاغلین در بخش دولتی از بخش خصوصی بیشتر است. بیشتر سال فراغت از تحصیل دانش‌آموختگان مربوط به سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ می‌باشد و تقریباً ۵۶٪ دانش‌آموختگان از دانشگاه آزاد دانش‌آموخته شده‌اند.



جدول ۱- ویژگی شخصی افراد و نمونه های تحقیق

رشته تحصیلی	تعداد نمونه	میانگین سن بر حسب سال	جنسیت		وضعیت شغل			نمای سال فراغت از تحصیل	دانشگاه محل تحصیل	
			مرد	زن	بیکار قبلا شاغل	شغل در بخش دولتی	شغل در بخش خصوصی		دولتی	آزاد
زراعت	۳۰	۳۴	۱۸	۱۲	۲	۱۴	۱۴	۱۳۸۳	۱۲	۱۸
باغبانی	۳۰	۳۵	۱۶	۱۴	۶	۱۵	۹	۱۳۸۲	۱۱	۱۹
علوم دامی	۳۰	۳۶	۱۸	۱۲	۳	۲۰	۷	۱۳۸۳	۱۴	۱۶

با توجه به یافته‌های جدول ۲، از دیدگاه دانش آموختگان عضو سازمان نظام مهندسی اصفهان توانمندی تخصصی و فنی دانش آموختگان رشته‌های مذکور در حد زیاد بوده این وضعیت در حیطه توانمندی‌های عمومی در حد کم می‌باشد اما در حیطه توانمندی‌های سازمانی، دانش آموختگان رشته زراعت و علوم دامی در حد میانگین ولی توانمندی‌های سازمانی دانش آموختگان رشته باغبانی در حد کم ارزیابی شده است.

با توجه به یافته‌های جدول ۳، دانش آموختگان سه گروه زراعت، باغبانی و علوم دامی میزان نیاز خود به دروس تخصصی رشته مربوطه را برای انجام وظایف شغلی‌شان را در حد زیاد مشخص نموده‌اند و نیز نیاز خود به دروس عمومی را برای انجام وظایف شغلی‌شان را در حد میانگین ارزیابی کردند. دانش آموختگان گروه زراعت و علوم دامی میزان نیاز خود به دروس سازمانی و مدیریتی را برای انجام وظایف شغلی‌شان در حد زیاد مشخص کرده‌اند در

حالی که دانش‌آموختگان گروه باغبانی میزان نیاز خود برای انجام وظایف شغلی‌شان را در دروس سازمانی در حد میانگین بیان نموده‌اند.

جدول ۲. بررسی دیدگاه نمونه‌های آماری در رابطه با توانمندیهای اخذ شده از آموزش عالی کشاورزی در حیطه‌های تخصصی، عمومی و مدیریتی

نمونه آماری	توانمندی تخصصی و فنی میانگین نمره از ۲۰	توانمندی عمومی میانگین نمره از ۲۰	توانمندی سازمانی و مدیریتی میانگین نمره از ۲۰
زراعت	۱۳/۳۰	۷/۳	۸/۱۵
باغبانی	۱۲/۹۹	۷/۰۱	۵/۷۹
علوم دامی	۱۳/۶۳	۷/۰۶	۹/۰۶
میانگین	۱۳/۳	۷/۱۲	۷/۶۶

جدول ۳. بررسی نیاز دانش‌آموختگان به سه بُعد آموزشی تخصصی-فنی، عمومی و سازمانی-مدیریتی برای ایفای وظایف شغلی خود

نمونه آماری	نیاز در بُعد تخصصی-فنی میانگین نمره از ۲۰	نیاز در بُعد عمومی میانگین نمره از ۲۰	نیاز در بُعد سازمانی-مدیریتی میانگین نمره از ۲۰
زراعت	۱۳/۳۳	۹/۶۱	۱۳/۰۶
باغبانی	۱۳/۲۷	۸/۴۴	۱۰/۹۲
علوم دامی	۱۴/۷۲	۸/۹۲	۱۳/۷۳
میانگین	۱۳/۷۷	۸/۹۹	۱۲/۵۷

با توجه به جدول ۲ و ۳ نتیجه می‌گیریم که میزان توانمندی تخصصی دانش‌آموختگان گروه زراعت با میزان نیاز تخصصی برای ایفای وظایف شغلی برابر است ولی در بعد عمومی میزان توانمندی دانش‌آموختگان گروه زراعت کم است در حالی که میزان نیاز عمومی برای ایفای

وظایف شغلی آنان در حد میانگین ارزیابی شده و نیز در بعد سازمانی نیز میزان توانمندی دانش آموختگان زراعت در حد کم می باشد ولی میزان نیاز برای انجام وظایف شغلی زیاد ذکر شده است که نشان می دهد توانمندی اخذ شده از دانشگاه دانش آموختگان زراعت در بعد عمومی و سازمانی پاسخگوی میزان نیاز آنان برای انجام وظایف شغلی نمی باشد. همچنین دانش آموختگان گروه باغبانی نیز میزان توانمندی عمومی و سازمانی اخذ شده از دانشگاه را در حد کم ارزیابی کرده اند در حالی که میزان نیاز عمومی و سازمانی آنان برای انجام وظایف شغلی در حد میانگین است پس توانمندی عمومی و سازمانی اخذ شده از دانشگاه نمیتواند میزان نیاز عمومی و سازمانی دانش آموختگان باغبانی را پوشش دهد و کافی نبوده است. و نیز دانش آموختگان گروه علوم دامی توانمندی عمومی اخذ شده از دانشگاه را در حد کم و توانمندی سازمانی اخذ شده از دانشگاه را در حد میانگین بیان نموده اند در حالی که میزان نیاز عمومی آنان برای انجام وظایف شغلی میانگین و نیاز سازمانی برای انجام وظایف شغلی در حد زیاد است که نشان می دهد توانمندی عمومی و سازمانی دانش آموختگان باغبانی پاسخگوی میزان نیاز عمومی و سازمانی آنان برای انجام وظایف شغلی نمی باشد.

#### بررسی حیطه های پنج گانه در کسب توانمندی های دانش آموختگان

یافته های جدول ۴ نشان می دهد که دانش آموختگان رشته زراعت بیشترین توانمندی تخصصی و فنی خود را از دروس نظری دانشگاه و سپس دروس عملی کسب نموده اند جدول ۴. بررسی سهم هر یک از منابع کسب توانمندی در دانش آموختگان رشته زراعت.

نمونه آماری زراعت	سهم دروس نظری دانشگاه (%)	سهم دروس عملی دانشگاه (%)	سهم آموزشهای غیررسمی (%)	سهم تجربه کاری (%)	سهم مطالعات شخصی (%)
توانمندی تخصص	۲۵/۱	۲۳/۷	۱۲	۱۷/۳	۲۱/۹
توانمندی عمومی	۲۶/۱	۲۵/۱	۱۱/۳	۱۸	۱۹/۵
توانمندی سازمانی	۲۰/۲	۲۰/۳	۱۴/۳	۲۳	۲۲/۲
میانگین کل	۲۳/۸	۲۳	۱۲/۶	۱۹/۴	۲۱/۲

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حیطه توانمندی عمومی بیشترین توانمندی را از دروس نظری دانشگاه و سپس دروس عملی و تجربه کاری کسب نموده‌اند در حیطه توانمندی‌های سازمانی بیشترین توانمندی از تجربه کاری بدست آمده و سپس مطالعات شخصی به توانمندی دانش آموختگان کمک نموده است.

با توجه به داده‌های جدول ۵ که مربوط به دانش آموختگان گروه باغبانی است، می‌توان بیان نمود که در کسب توانمندی تخصصی و عمومی بیشترین تاثیر این گروه از دانش آموختگان از دروس نظری دانشگاه با ۲۵/۴ درصد بوده و دروس عملی دانشگاه دومین حیطه تاثیر را داشته است. در کسب توانمندی سازمانی سهم تجربه کاری و مطالعات شخصی بیشترین تاثیر رو در داشته‌اند. به طور کلی دروس نظری دانشگاه و مطالعات شخصی بیشترین تاثیر را در کسب توانمندی‌های تخصصی و عمومی دانش آموختگان گروه باغبانی داشته‌اند.

جدول ۵. بررسی سهم هر یک از منابع کسب توانمندی در دانش آموختگان رشته باغبانی.

نمونه آماری باغبانی	سهم دروس نظری دانشگاه (%)	سهم دروس عملی دانشگاه (%)	سهم آموزشهای غیررسمی (%)	سهم تجربه کاری (%)	سهم مطالعات شخصی (%)
توانمندی تخصصی	۲۵/۴	۲۳/۴	۱۲	۱۶/۵	۲۲/۷
توانمندی عمومی	۲۲/۷	۲۲/۳	۱۴	۲۱/۳	۱۹/۷
توانمندی سازمانی	۱۷/۳	۱۹/۵	۱۶/۶	۲۳/۴	۲۳/۲
میانگین کل	۲۱/۸	۲۱/۷	۱۴/۲	۲۰/۴	۲۱/۹

جدول ۶. بررسی حیطه‌های پنج گانه در کسب توانمندی‌های دانش آموختگان رشته علوم دامی

نمونه آماری علوم دامی	سهم دروس نظری دانشگاه (%)	سهم دروس عملی دانشگاه (%)	سهم آموزشهای غیررسمی (%)	سهم تجربه کاری (%)	سهم مطالعات شخصی (%)
توانمندی تخصصی	۲۵/۸	۲۱/۴	۱۳/۱	۱۹/۱	۲۰/۶

۱۶/۳	۲۲/۴	۱۵/۴	۲۲/۴	۲۳/۵	توانمندی عمومی
۱۸/۲	۲۳/۷	۱۸/۲	۱۷/۷	۲۲/۲	توانمندی سازمانی
۱۸/۴	۲۱/۷	۱۵/۶	۲۰/۵	۲۳/۸	میانگین کل

یافته های جدول ۶ نشان می دهد که دانش آموختگان رشته علوم دامی بیشترین توانمندی فنی و تخصصی خود را از دروس نظری دانشگاه و سپس دروس عملی کسب نموده اند و نیز در حیطه توانمندی عمومی بیشترین توانمندی را از دروس نظری دانشگاه و سپس دروس عملی و تجربه کاری کسب نموده اند ولی در حیطه توانمندی های سازمانی بیشترین توانمندی از تجربه کاری بدست آمده و سپس دروس نظری دانشگاه به توانمندی دانش آموختگان کمک نموده است.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از هدف های عمده نظام آموزش عالی در هر کشوری، پرورش توانایی های بالقوه شهروندان و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور می باشد. دانش آموختگان اظهار داشتند که میزان توانمندی های تخصصی و عمومی کسب شده و رضایت از مقطع لیسانس در سطوح ((میانگین تا زیاد)) بوده است. انتخاب هدف های به شکل صحیح برای یک دوره آموزشی مستلزم آن است که این اهداف با نیازهای بازار کار و جامعه و ... منطبق باشد و منافع آن را تامین کند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که اهداف انتخاب شده برای دوره لیسانس از نظر دانش آموختگان تا حد زیادی با نیازهای بازار کار و جامعه هماهنگ می باشد هرچند که در حیطه توانمندی های مدیریتی و سازمانی باید دانشگاه توجه بیشتری داشته باشد. نتیجه گرفته می شود که در دانشگاه بیشتر دانش تخصصی را تقویت می کند و در بعد توانمندی سازمانی کارایی لازم را نداشته است و بیشتر به دانش تخصصی پرداخته می شود. این نتیجه با نتایج اسدالهی (۱۳۷۵) و مقدس فریمانی (۱۳۷۷) که بازگو کننده بعد سازمانی نیاز به تقویت دارد، مطابقت دارد.

با توجه به نتایج تحقیق، از نظر دانش آموختگان، داشتن تخصص موضوعی در یکی از زمینه های کشاورزی و تخصص عمومی در رشته های مختلف کشاورزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. دانش آموختگان میزان توانمندی در توانایی های سازمانی را کم ارزیابی نموده اند. از این رو، تحقیق

حاضر، ایجاد تحول بنیادین در آموزش کشاورزی را ضروری دانسته و بحث کیفیت در آموزش عالی کشاورزی را مورد تاکید قرار می‌دهد و باید در محتوای دروسی کلی رشته‌های تخصصی کشاورزی تغییراتی ایجاد گردد. به صورتی که گنجاندن و افزودن دروسی در حیطه‌های سازمانی مانند: مدیریت مالی و حسابداری، برنامه ریزی و ارزشیابی پروژه و حقوق و قوانین (اداری، کار و ... ) و موادی نظیر آن در افزایش کارایی برنامه درسی مقطع لیسانس می‌تواند موثر باشد. این نتایج با نتایج آزادواری (۱۳۷۷) و عربی (۱۳۷۷) مطابقت دارد.

بر اساس نتایج تحقیق مشخص گردیده است که توانمندی عمومی و سازمانی دانش آموختگان زراعت با نیاز عمومی و سازمانی آنان مطابقت دارد ولی توانمندی عمومی و سازمانی دانش آموختگان باغبانی و علوم دامی با نیازهای آنان مطابقت ندارد که نشان می‌دهد محتوای دروس گروه زراعت با نیازهای دانش آموختگان و بازار کار مطابقت دارد که در دو گروه باغبانی و علوم دامی اینطوری نیست و محتوای دروس کافی نمی‌باشد مواردی از دروسی که توانمندی لازم را نمی‌دهند ذکر کنید این نتیجه با تحقیق ورمزیاری و همکاران (۱۳۸۷) هماهنگ است.

تاثیر دروس نظری و عملی دانشگاه بر روی توانمندی تخصصی در هر سه گروه زراعت و باغبانی و علوم دامی خوب ارزیابی شده است ولی در زمینه توانمندی عمومی و سازمانی بیشترین تاثیر را در هر سه گروه مورد مطالعه، تجربه کاری و مطالعات شخصی تعیین شده است و دانشگاه در تقویت بعد سازمانی کارایی پایینی داشته است. که این نتیجه با نتایج ویسی و همکاران (۲۰۰۶) و پرداختچی (۲۰۰۵) که در بررسی اثر یادگیری سازمانی بر بازار محوری، سطح یادگیری سازمانی را در موسسات آموزش عالی کشاورزی بالا برآورد کرده‌اند و بیان می‌دارند که موسسات آموزش عالی به واسطه رسالت و کارکرد آموزشی، تحقیقی و خدماتی خود ذاتا نوعی سازمان یادگیرنده هستند و از سطح یادگیری سازمانی بالایی برخوردارند و تفاوت موجود در سطوح یادگیری تنها ناشی از نوع یادگیری و شرایط موجود است مغایرت دارد.

### پیشنهادها:

۱. نتایج تحقیق نشان داد که توانمندی دانش آموختگان در بعد عمومی در حد کم ارزشیابی شد لذا پیشنهاد می‌گردد دروس عمومی از رشته‌های مختلف کشاورزی برای این سه گروه

در سرفصل دروس گنجانده شود تا باعث افزایش توانمندی و بهبود کارایی دانش آموختگان گردد.

۲. با توجه به نتیجه تحقیق، توانمندی دانش آموختگان در بعد سازمانی در حد خیلی ضعیف ارزیابی گردید و مشخص شد که بیشترین تاثیر بر توانمندی مدیریتی دانش آموختگان را تجربه کاری داشته است پس باید در این زمینه تلاش بیشتری کند و دروسی مثل مدیریت مالی و حسابداری، برنامه ریزی و ارزشیابی پروژه و حقوق و قوانین (اداری، کار و ... ) را در سرفصل دروس دانشگاهی بگنجانند.

۳. تحقیق حاضر، بر روی سه رشته زراعت، باغبانی و علوم دامی بود لذا پوشش کافی برای تمام رشته‌های کشاورزی را نداشته است پیشنهاد می‌گردد تا تحقیقی کلی راجع به تمامی رشته‌های کشاورزی انجام گیرد و میزان توانمندی‌های آنان مشخص گردد تا این نتایج در اختیار صاحب‌نظران و مجریان آموزش عالی برای بهبود کیفیت آموزش عالی قرار گیرد.

## منابع:

۱. آزادواری، ح. ۱۳۷۷. بررسی اثربخشی محتوای برنامه آموزش عالی رشته ترویج و آموزش کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس.
۲. اسدالهی، ت. ۱۳۷۵. ارزیابی نقش آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی به عنوان زیرساخت توسعه، نمونه دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. بازرگان، ع. (۱۳۷۶). کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های ملی و بین‌المللی. مجله رهیافت، صص: ۶۰-۷۱.
۴. بیابانگردی، ز.، ک. سلطانی عربشاهی، ا. امینی، ر. شکرآبی، م. یادآورنیک‌روش. (۱۳۸۴). نقش دروس علم پایه در پرورش شایستگی‌های دانش آموختگان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی؛ (۱)۵: ۱۳-۲۳.
۵. بینقی، ت.، م. سعیدی رضوانی. (۱۳۸۲). تأملی بر الگوی مناسب برنامه ریزی درسی برای ایجاد اشتغال. مجموعه مقالات برگزیده و خلاصه مقالات پذیرفته شده اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی.
۶. جعفرزاده، م. (۱۳۸۴). طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش آموختگان. رساله دکتری در رشته مدیریت. دانشکده مدیریت. دانشگاه تهران.

۷. حجازی، ی. (۱۳۷۷). الگوی برای ارزیابی درونی نظام آموزش عالی کشاورزی. گزارش چاپ نشده، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
۸. شریعت‌زاده، م. (۱۳۸۰). تدوین الگوی انطباق و سازگاری دو جانبه نظام آموزش میانگینه کشاورزی و توقعات بازار به منظور ارتقاء بهره‌وری فارغ‌التحصیلان در ایران. رساله دکترا ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
۹. عربی، ق. ۱۳۷۷. تبیین دانش‌سازگاری به منظور شایستگی‌پروری در دانشجویان مقطع کارشناسی رشته ترویج و آموزش کشاورزی پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
۱۰. فیوضات، ی. (۱۳۸۲). نقش دانشگاه در توسعه ملی. تهران: نشر ارسباران.
۱۱. مقدس فریمانی، ش. ۱۳۷۷. رهیافت آموزش‌گزیداری برای دوره کارشناسی کشاورزی‌باز نظر متخصصان عالی کشاورزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
۱۲. میرکمالی، س. م. (۱۳۷۲). تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. سال اول، شماره چهارم، ص ۱۳.
۱۳. ورمزیاری، ح. و همکاران. (۱۳۸۷). دیدگاه دانشجویان نسبت به وضعیت نظام آموزش عالی کشاورزی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. مطالعه موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین. مجله دانش کشاورزی، جلد ۱۸ شماره ۴، صفحه‌های ۳۹-۵۲.
14. Blefield, C. R., Bullock, A. D. and fielding, A. ۱۹۹۹. Graduates views on the contribution of their higher education to their general development. Journal of research in higher education. 40(4), 409- 438
15. Curry, p., S. Rhona, and T. Orlaith. 2003. What transferable skills should student develop during their time in college? Results of modern languages alumni survey Retrieved from: <http://www.hefce.ac.uk/pubs>
16. Delaney, A. M. 2004. Ideas to enhance higher education impact on graduates lives. Journal of Tertiary Education and Management. 10 (2), 89-105.
17. Irani, T. & C. H. Scherler 2002. "Job Satisfaction as an Outcome Measure of the Effectiveness of an Agricultural Communications Academic Program"; Journal of Agricultural Education, Vol. 13, No .1, Available at: [www.pubs.aged.tamu.edu](http://www.pubs.aged.tamu.edu)
18. Lynch, Richard I. 2000, "High School Career and technical education for the first decade of The 21 St Century". Journal of vocational education research. No25 (2), P.P1022-1030.
19. Patel, K.B., Maina, M, Haggmann, J., & Woomeer, P.L. 2001. Curriculum development and transformation in rural development and natural resource management. Paper presented at the strategy workshop of the Rockefeller Foundation's Bellagio Center, Italy.
20. Pardakhtchi, M. h.(2005), University as a learning Organization, Panel for the Assessment of promotion of university Education Quality, Department of education, shahid Beheshti university, Tehran, Iran(in persian).



21. Veisi, H., A. Rezvanfar & Y. Hedjazi (2006), "Impact of organizational Learning on Market Orientation of higher Education", Iranian Economic Review, Vol. 11, No. 15, pp. 93-114.